

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۲۳

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۷ فروردین ۱۳۹۳، ۱۶ آپریل ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

بخش سوم، میزگرد ایسکرا با نسان نودینیان، ناصر اصغری و عبدال گلپریان در مورد روز جهانی کارگر

بنظر شما آیا نمی شود که فعالین درگیر و دخیل در این تشکلهای بجای فراخوانهای جداگانه بطور یکدست و متحد به استقبال روز جهانی کارگر بروند؟ چه توصیه ها و تاکیداتی در این زمینه دارید؟

خواست و مطالبات بخشهای مختلف کارگری ایجاد شده و علیرغم اینکه دولت این تشکلهای را برسمیت نمی شناسد اما فعالین کارگری که در این تشکلهای فعالند لحظه ای از تلاش برای احقاق حقوق کارگران دست برداشته اند.



ایسکرا: طی چند سال اخیر تشکلهای متعددی مستقل از دولت و در جهت دست یابی به

صفحه ۳

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره تخریب محیط زیست در ایران

استانداردهای پیشرو و علمی زیست محیطی از سوی آنها است. تا آنجا که بدون مواجهه و مبارزه مردم جهان علیه نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود، نجات کره زمین و ساکنانش از خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیر زیست محیطی ناممکن بنظر میرسد.

محیط زیست ایجاد کرده است که زندگی امروز و فردای بشر و کل موجودات زنده را بطور جدی تهدید میکند. مشکلات زیست محیطی آشکارا يك مسئله اجتماعی- طبقاتی است. در دنیای امروز وضعیت بحرانی محیط زیست اساسا محصول منافع سوپرستانه سرمایه داران و دولتهایشان و عدم رعایت



حرص و ولع سیری ناپذیر سرمایه برای کسب سود هرچه بیشتر، وضعیت فاجعه باری را در

صفحه ۵

شیث امانی و مظفر صالح نیا به اداره اطلاعات سنندج احضار شدند



هر سال بمناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر، نهادهای رژیم در سنندج اقدام به احضار فعالین کارگری می کنند. بنا به خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، روز چهارشنبه ۲۰

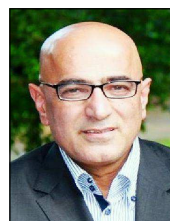
صفحه ۲

یارانه های مردم به دولت!

صفحه ۲

نسل کشی که در تاریخ ثبت شد

"رانیه"، و "پینچوین" به مناطق روستایی شهرهای کردستان عراق حمله کردند. بیش از چهار هزار روستا را ویران و خالی از سکنه کردند. به ساکنین روستاها حمله کردند و بیش از صدو هشتاد هزار کودک، زن و مرد را کشتند. عملیات تخریب و نابودی روستاها و نسل کشی مردم در کردستان عراق به "عملیات انفال" نام گرفت. اگر در رواندا (۱۹۹۴) جنگ قومی جان بیش از هشتصد هزار را گرفت در کردستان عراق دولت صدام با همکاری نیروهای مزدور محلی مستشاران سابق کسانیکه در دولت کنونی اقلیم کردستان بر اریکه قدرت بزور اسلحه



نسان نودینیان

۲۶ سال قبل (سال ۱۹۸۸) فاجعه ای انسانی در کردستان عراق توسط نیروهای سرکوبگر حاکم دولت بعث عراق اتفاق افتاد. رژیم جنایتکار صدام حسین با اعزام صدها هزار نیروی ارتش و بسیج مزدوران محلی تحت فرماندهی "مستشاران" گرد از شهرهای "سلیمانیه"، "اربیل"،

صفحه ۲

بهنام ابراهیم زاده در حمایت از شاهرخ زمانی دست به اعتصاب غذا زد



بهنام ابراهیم زاده

شاهرخ زمانی

صفحه ۶

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

کردستان در اعتراض به ناعادلانه بودن حقوق و مزایا در محوطه محل کار خود تجمع کردند. یکی از معترضان در تشریح علت این اعتراض گفت: حق فوق العاده ویژه

صفحه ۵

کارگران تجمع کارکنان محیط زیست کردستان در اعتراض به ناعادلانه بودن حقوق و مزایایشان! ۲۵ فروردین: کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نسل کشی ...



و پول و قدرت عشیرتی لم داده اند این نسل کشی را بسرانجام رساند. عملیات انفال یکی از جنایتکارانه ترین نسل کشی تاریخ بشریت است. این جنایت دهشتناک با نام رمز «انفال» «غنیمت» (برگرفته از قران برای تشویق بیشتر آن تعداد جنایتکار بکار گرفته شده بود که بشیوه وحشیانه به زندگی انسانها حمله میکردند، محللهای مسکونی را به آتش میکشیدند، منابع آبهای اشامیدنی را با سنگ و بتون مسدود کردند، حیوانات را سوزاندند و کرامت و حیثیت انسانی و حیات را از مردم و هر آنچه زنده و پر میزد گرفتند).

اما، امروز بازماندگان این نسل

کشی و میلیونها نفر از مردم کردستان عراق در سالروز این فاجعه بزرگ به بازی منافع قدرت نیروهای موجود در «اقلیم کردستان» گرفته میشوند. در این روزها که بازار مضحکه انتخاباتی احزاب کردی گرم است، یاد کسانی که در این نسل کشی جانشان را از دست داده اند با قمار رای و شرکت در انتخابات فرمایشی به گرو گرفته شده است. طنز تلخ در اینروزها برای احزاب کردی در کیفرخواست سیاسی است که بازماندگان فاجعه «انفال» بیان می کنند. «مستشاران» را محاکمه کنید. و این مطالبه سیاسی اعلام کیفرخواست جامعه و شهروندان شهرهای کردستان عراق علیه آن تعداد زیاد از مسئولین امروز و

مستشاران جنایتکار دیروز است.

مردم کردستان عراق و بازماندگان نسل کشی سال ۱۹۸۸ باید از بیشترین امکانات زندگی برخوردار باشند. حفظ کرامت و حرمت انسانی آنها نباید به «قمار

بازی قدرت تبدیل شود. مادام خواست و مطالبه و کیفرخواست بازماندگان این نسل کشی محاکمه و دادگاهی علنی مزدورهای *مستشار* است، احزاب حاکم، دادگاه ها و نیروهای دخیل در کردستان عراق باید به این خواست تن بدهند و مسئولین امروز و

مزدوران جنایتکار دیروز را به محاکمه بکشند و از قدرت کنار گذاشته شوند

در سالروز این فاجعه انسانی به ۱۸۰ هزار انسان که جانشان را از دست دادند درود می فرستیم.

شیت امانی و ...

شد.

جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبش بخوبی میدانند که مردم تشنه به خیابان آمدن و اعتراض هستند، میدانند اگر فضا را امنیتی نکنند توده های انبوه کارگران و مردم محروم و ستم دیده در سنج و در سراسر کشور به خیابان میایند تا علیه کل این جهنمی که متفخوران حاکم برای اکثریت مردم درست کرده اند دست به اعتراض بزنند و

صحبت در باره مرحله دوم اجرای قطع سوسیدها را ندارند و برای برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر میباید اقدام به اخذ مجوز از فرمانداری سنج بکنند و چنانچه این فرمانداری از دادن مجوز خودداری کرد آنان حق برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و شرکت در آنرا ندارند و چنانچه اقدام به اینکار کنند با آنان بشدت برخورد خواهد

فروردین ماه شیت امانی و مظفر صالح نیا از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به اطلاعات نیروی انتظامی شهر سنج احضار شدند و در رابطه با مراسم این روز مورد بازجویی قرار گرفتند. در این بازجویی مامورین اطلاعات نیروی انتظامی سنج به این دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کردند حق

خواهند کرد. کمیته کردستان حزب از همه مردم شریف میخواهد به اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی اعتراض کنند و خود را برای حضور گسترده در خیابان ها در روز جهانی کارگر آماده کنند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

کیفرخواست خود را علیه بنیان این جهنم و عزمشان را برای ساختن دنیائی عاری از ستم و نابرابری و استعمار اعلام کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری احضار و تهدید فعالین کارگری توسط نهادهای رژیم را محکوم می کند و اطمینان دارد که فعالین و تشکلهای کارگری همراه با مردم آزادیخواه سنج روز جهانی کارگر را شایسته تر از هر سال برگزار

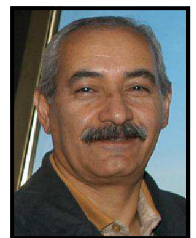
یارانه های مردم به دولت!



۳۵ سال است دارند هستی جامعه و دسترنج مردم را بچیب می زنند. آیت الله های میلیاردی شده گوناگونی تا کنون تولید شده اند که فقط با چاپیدن مردم به ثروتهای نجومی دست یافته اند. قیل و قال یارانه و خواهش و تمنا از مردم برای خودداری از پذیرفتن آن، اسم رمزی برای چپاول و کلاهبرداری های بیشتر دولت از مردم است. آیا دولت دارد به مردم یارانه می دهد یا اینکه مشتی کلاش و کلاهبردار دارند از جیب و سفره خالی مردم به اسم «دولت را یاری دهید» یارانه می گیرند؟

برای کشیدن شیره جان مزدبگیران تهدید کرده اند که شرایط

که گیرشان نمیدان نغورند و پولش را به صندوق دزدان حکومتی واریز کنند. افزایش هر روز و هر ساعت قیمت مایحتاج اولیه، بالا کشیدن دستمزد کارگران که ماهها پرداخت نمی شود، افزایش هزینه سوخت، افزایش هزینه های برق، آب، گاز و در کنار همه اینها ۳۵ سال چپاول هزینه نفت و ریختن همه این ثروتها در جیب آیت الله های میلیاردی، اختصاص بخشی از این چپاولها به تولید تروریسم، ارسال کمکهای مالی و تسلیحاتی به سوریه و دهها قلم دیگر از این دست، یارانه های غارت شده ای است که این حکومت با قوانین اسلامی و زندان و تفنگش دارد از مردم می گیرد.



عبدل گلپریان

صدا و سیمای جمهوری اسلامی مدام در تبلیغات شبانروزی اش خطاب به مردم می گوید:

«ازگرفتن یارانه در صورت عدم نیاز خود داری کنند و دولت را یاری دهند تا اقتصاد کشور شکوفا شود.»

یعنی مردم همان نان خشکی هم

از این هم بدتر خواهد شد. زدن از سفره خالی مردم، بالاکشیدن ثروت جامعه و بچیب زدن دسترنج مزدبگیران، شغل باندها خدا بر روی زمین است. یارانه حق مردم است. در همه جای دنیا این يك جنگ دائمی مردم با همه دولت های

سرمایه دار است. در ایران نیز این فشار و مبارزه مردم است که یارانه را به حکومت اسلامی تحمیل کرده است. نباید گذاشت غارتگران اسلامی آن را بالا بکشند.*



نسان نودینیان: ابتدا به شرایط اجتماعی و موقعیت کارگران میپردازم. به این دلیل به نظر من فعالین کارگری این موقعیت را ابتدا به رسمیت بشناسند و سپس تصمیمات خود را برای برگزاری جشن و مارش روز جهانی کارگر بگیرند. از یازده اردیبهشت سال ۹۲ تاکنون وضعیت معیشتی و زندگی و رفاه و دستمزد و روحیات کارگران تغییرات اساسی کرده. سال ۹۲ بسیار سخت و پر تلاطمی بود. تلاش برای ادامه زندگی و تحمل فقر بی شائبه از یک طرف و اعتراض و به چالش کشیدن دولت و کارفرماها برای افزایش دستمزدها، سد کردن بیکار سازی و گرفتن حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده کار و فعالیت روتین آنها بوده است. و اینکه سال ۹۲ سال دستگیری و فشار و تحت کنترل قرار دادن فعالین کارگری بود. در دل اوضاع پر التهاب و پر از ناراضیاتی، درجه ای از اتحاد و همکاری بر متن ضرورت اجتماعی کنونی، شکل گرفت. ما در سال گذشته دیدیم که فعالین کارگری در کمیتههای دفاع از کارگران دستگیر شده هماهنگ و متحد برای آزادی کارگران زندانی به اعتراض پرداختند. در حمایت و تقویت اعتصاب کارگران فولاد قروه ما شاهد این هماهنگی ها و همکاری ها بودیم. اوضاع پر تلاطم کنونی و عرصه های رو در روی کارگران با دولت در عرصه افزایش دستمزدها و حذف یارانه ها اهمیت نزدیکی و اتحاد را بیش از هر دوره ای بیشتر کرده است. اینجا این نکته را اضافه کنم که در درون کارگران گرایشهای مختلف و بوجوه های متفاوتی در برخورد به همکاری نیروهای فعال کارگران، تشکل و سازمانیابی ابراز وجود کارگران، وجود دارد. این اختلافات واقعی هستند. اما نباید مانع همکاری های موثر برای برپایی با شکوه جشن و مراسم روز جهانی کارگر، شوند. ضرورت نزدیکی و همکاری بر متن اوضاع پرتلاطم و اعتراض

توده ای مردم در جامعه و در میان کارگران پیش کشیده شده و از هر دوره ای از مبرمیت بیشتری برخوردار است. به نظر من فعالین و کارگرانی که در تدارک روز کارگر هستند باید با متانت، و گذشت و تلرانس بالایی برای نزدیکی و در کنار هم قرار دادن کارگران تلاش کنند. اطلاعاتی های مشترک و جلسات مشترک داشته باشند. هدف برپایی با شکوه روز جهانی کارگر باید باشد. هدف باید این باشد که امسال که سال رو در رویی های بیشتر کارگران و توده میلیونی جامعه با دولت است، صف متحد و همبسته ای ایجاد شود. ما هر سال با سپری کردن روز کارگر شاهد ارزیابی هایی در مورد روز کارگر هستیم. در این ارزیابی ها نکته تکراری و تجربه منفی که مورد توافق بیشتر کارگران است، عدم همکاری های نزدیک و پراکندگی مراسمهای روز کارگر بوده که به برپایی مراسم های با شکوه و ابراز وجود کارگران لطمه جدی زده است. امسال اگر با درایت بالایی در زمینه نزدیکی های بیشتر و اطلاعاتی و مراسم های مشترک پافشاری کنیم یک گام مهم این موانع را پشت سر گذاشته ایم.

ایسکرا: تنها در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی است که سالهاست ما شاهد زندانی شدن تعداد زیادی از فعالین کارگری در زندانها هستیم. در آستانه روز جهانی کارگر چگونه می توان برای آزادی این کارگران اقدامات موثر و کارساز صورت داد؟



ناصر اصغری: گفتن نکته ای در همین خصوص اهمیت دارد که ما در ایران با قوانینی مواجه هستیم که در دنیای امروزی کمتر به چشم می خورند. مثلاً فعالین کارگری را بخاطر شرکت در مراسم اول ماه مه دستگیر کرده و شلاقشان می زندند! باور کردن این حقیقت توسط کسی که در ایران زیر سلطه رژیم اسلامی

زندگی نکرده سخت است.

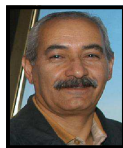
اما چه اقدامات مؤثری برای آزادی فعالین کارگری دریند می شود کرد؟ شاهرخ زمانی اکنون حدود ۴۰ روز است که در اعتصاب غذا به سر می برد و چند ده کیلو وزن کم کرده. رضا شهابی در حال فلج شدن است و علیرغم توصیه های پرسنل درمانگاه زندان اجازه معالجه و مرخصی استعلاجی به او داده نمی شود. فرزند بهنام ابراهیم زاده سرطان دارد و پزشکان توصیه کرده اند که برای بهبودش بهنام باید در کنارش باشد، اما رژیم اسلامی تماماً به این مسئله بی اعتنائی کرده است. خود بهنام بخاطر شکنجه های شدیدی که دیده از سر درد شدید رنج می برد. محمد جراحی از سرطان رنج می برد و باید به بیرون از زندان انتقال یابد و تحت مداوا باشد. اینها فقط نمونه هایی هستند که هم اکنون فعالین کارگری دریند با آنها درگیرند.

من قبلاً هم گفته ام که یکی از مطالبات اصلی جنبش کارگری ایران باید آزادی فوری و بدون قید و شرط این فعالین کارگری باشد. باید آزادی بی قید و شرط آزادی بیان و تشکل باشد که دیگر هیچ فعالی از جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی مورد تعرض و دست درازی قرار نگیرند. فعالین کارگری در همه مراکز کارگری به دفاع از این کارگران اعتراض سازمان بدهند. اینها نکاتی است که جنبش کارگری در ایران می تواند در دستور بگذارد.

در خارج از ایران به نظر من می توان بسیار قوی تر در این مورد ظاهر شد و اقدامات بیشتری را در دستور گذاشت. وقتی که موضع و موقعیت فعالین کارگری در ایران و فعالین هم اکنون دریند و زندانی را برای اتحادیه های کارگری و افکار عمومی در کشورهای غربی بازگو می کنیم، می بینیم که احساس همدردی هست و حتی می خواهند بدانند که چه کمکی از دست آنها ساخته است. با یکی از فعالین سرشناس جنبش کارگری در آمریکا تماس گرفتم و وضعیت شاهرخ را برایش گفتم که باید کاری کرد. چند لینک انگلیسی هم در اینترنت پیدا کردم و برای اطلاعش فرستادم که سریع جواب داد یکی از لینکها

طوماری بوده که امضا کرده بود و پرسیده که چکار دیگری از شما ساخته است. من هم نکات خودم را بهش گفتم. گفتم که نامه ای اعتراضی بنویسد و از طریق روابطی که دارد هم آن را به امضا دیگر فعالین کارگری برساند و هم نظر کل فعالین جنبش کارگری آمریکا را به این مسئله جلب کند. گامهای بعدی را نمی دانم چه خواهند بود، اما این را می دانم که این موضوع به یک کمپین قدرتمند مثل کمپینی که حزب کمونیست کارگری حول سرکوب اعتراض کارگران نفت در دهه ۹۰ قرن گذشته (از اواخر دسامبر ۱۹۹۶ تا اوایل آوریل ۹۷) نیاز دارد. به یک کمپین مثل کمپین آزادی محمود صالحی نیاز دارد. اینها بهرحال کمپینهایی بودند که کل دنیا را بر علیه جمهوری اسلامی بسیج کردند. این شدنی است؛ چرا که همچنانکه گفتم در موارد مختلفی، از جمله در مورد کارگران نفت و آزادی محمود صالحی انجام داده ایم.

ایسکرا: در دو هفته ای که به روز جهانی کارگر باقی است چه اقدامات عاجلی را می توان رو به فعالین کارگری، فعالین عرصه های مختلف اجتماعی و کلا سازماندهندگان این روز تاکید کرد؟



عبدالمجید گلپایگان: فعالین و تشکلهای کارگری تجارب زیادی در زمینه سازمان دادن این روز دارند. سالهای قبل و از چند روز قبل از روز جهانی کارگر فضای مختص به این روز را در میان کارگران و بخشهای مختلف مردم ایجاد می کردند. فعالین عرصه های مختلف اجتماعی نیز همین نقش را ایفا کرده اند. این را نباید فراموش کرد که روز جهانی کارگر تنها روز کارگران نیست. برخلاف درکی که کارگر را فقط در زیر سقف کارخانه می بیند در جایی مثل ایران اگر نگاه کنید ۹۰ درصد مردم آن کشور نیروی کارکن و مزدبگیر هستند. در نتیجه این روز مال اکثریت عظیم نیروی کارکن آن جامعه است. فعالین کارگری و فعالین جنبشهای

اجتماعی دیگر می توانند امر سازماندهی در روز جهانی کارگر را به بهترین وجه ممکن در دستور کار خود قرار دهند.

بنا به خبرهایی که بگوش می رسد کارگران و مردم از شرکت وسیع خود در مقابل نهادهای رژیم برای برافراشتن پرچم خواست و مطالباتشان حرف می زند. فضای عمومی از حضور گسترده در میادین و خیابانها حکایت دارد. این فضا و این موج تعرضی در میان کارگران و کل مردم را باید به بهترین نحو ممکن سازمان داد. فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی در همه شهرها در مقابل سازماندهی آنان در روز جهانی کارگر نقش مهم و تعیین کننده ای بر عهده دارند.

نقش فعالین در چنین روزی و بر بستر موج تنفر و اعتراض عمومی مردم است که می تواند خود را بنمایش بگذارد. از هم اکنون سازماندهی امر شعار نویسی بر دیوارها در هر کوی و برزنی، همفکری و مشورت برای محل یا محلهایی که تجمعات می تواند در آن مکانها برگزار شود، ارتباط مابین فعالین در محلات و در هماهنگی با برگزارکنندگان و سازماندهندگان روز جهانی کارگر، پخش آگهی، اطلاعیه برای خبر رسانی در سطح شهرها و دهها اقدام عملی و سازمانگرانه دیگر از این نوع، وظیفه فعالین و سازماندهندگان روز جهانی کارگر است.

کارگران و فعالین کارگری می توانند ابتکارات زیادی بخرج دهند و از این امکان که اگر روز جهانی کارگر در یک یا چند مکان تجمع کردند، بر سر راه اندازی مجامع عمومی خود چه در این روز و چه در روزهای دیگر مثلاً تعیین یک روز مشخص در هفته تشکیل مجمع عمومی خود را تعریف کنند. مجمع عمومی برای کارگران امر ناشناخته ای نیست و در این رابطه تجارب زیادی دارند. تشکلهای فی الحال موجود کارگران ابتدا بر بستر شور و مشورت کارگران در مجمع عمومی هایشان پا گرفته است. از این روز این ساختار پایه ای ممکن ترین و در

از صفحه ۱ **بیانیه حزب کمونیست کارگری ...**

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیائی حاکم، غارت و چپاول منابع طبیعی و تخریب محیط زیست ابعاد بسیار جنایتکارانه ای بخود گرفته است. علاوه بر این عدم رعایت حتی ابتدائی ترین استانداردها و موازین پیشرو بین المللی در حفظ محیط زیست، به يك سیاست مداوم و معمول در جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در جمهوری اسلامی همه پروژه های اقتصادی، در بخش دولتی و خصوصی، بدون در نظر داشت مسائل زیست محیطی انجام می گیرد و کل این وضعیت به نابودی زیستگاه مردم و گیاهان و حیوانات منجر می شود. آلودگی شدیداً هشدار دهنده هوا، روند سریع نابودی جنگلها، تخریب پوشش گیاهی و مراتع، نابودی تالاب ها، روند خشک شدن رودها، خشک شدن دریاچه های مختلف، گسترش بیابان زایی و طوفان نمک و گرد و غبار، کمبود فزاینده منابع آب آشامیدنی، خشکسالی های فزاینده و مهلك، آلودگی های خطرناك صنعتی، مشکل دفع زباله های بیمارستانی، ویرانی اکوسیستم های دنیای وحش، آلودگی شدید دریای خزر و نابودی آبریان و بالاخره عوارض خطرناك ناشی از برنامه هسته ای رژیم، گوشه هایی از ابعاد فاجعه آمیز زیست محیطی در ایران هستند. این روند زندگی نسلهای کنونی و نسلهای آینده را به طور جدی به مخاطره انداخته است. مرگ و میر ناشی از آلودگی محیط زیست افزایش سرسام آوری گرفته، بیماری های لاعلاج زندگی بسیاری را به مخاطره انداخته و هزاران نفر بخاطر خشکیدن دریاچه ها و رودخانه ها و یا نابودی جنگل ها کار و منبع درآمدشان را از دست داده اند و به فلاکت کشیده شده اند.

آنچه در این شرایط فاجعه آمیز

محیط زیست می شود باید فوراً متوقف شود و غیرمجاز اعلام گردد

۳- نهادهای کارشناسی محیط زیست منتخب مردم باید بر شرایط کار و تمام جنبه های محیط زیست نظارت و کنترل داشته باشند و تصمیمات آنها عملی شود. این حق بی چون و چرای ساکنین کشور و نمایندگان مستقیم آنها است که تاثیرات فعالیت های دولت و دستگاه های مختلف بر محیط زیست را کنترل و بررسی کنند. تشکیل و فعالیت سازمانها و نهادهای مردمی و غیردولتی در زمینه محیط زیست، نباید نیاز به هیچگونه مجوز دولتی و امنیتی داشته باشد.

۴- باید بطور دائم و منظم بودجه و امکانات لازم برای حفظ و سالم تر کردن محیط زیست و انجام تحقیقات در این باره اختصاص یابد. در عین حال دولت موظف است در همه عرصه های مختلف تولید و صنعت، کشاورزی، سد سازی، خانه سازی، ترافیک، احداث جاده و غیره اولویت های زیست محیطی را رعایت کند. منابع و امکانات کشور در همه عرصه ها باید بگونه ای بکار گرفته شود که زمینه مساعدی را برای حفظ و بهینه سازی محیط زیست فراهم آورد.

۵- در عرصه صنعت و تولید، در تولید خودروها و کلیه ماشینهای که منبع انرژی آنها سوختهای فسیلی است، در عرصه ترافیک و حمل و نقل، و در امر کنترل فنی و منظم کلیه خودروها و ماشینهای صنعتی در حال کار، باید آخرین دستاوردها و موازین بین المللی حفظ محیط زیست و تامین سلامت و بهداشت جامعه بکار گرفته شود. دولت موظف و ملزم به اجرای این موازین و استانداردها است.

۶- همه اقدامات و برنامه هایی که بخاطر منافع سودجویانه سرمایه داران منجر به تخریب و یا آلودگی

از صفحه ۳ **میزگرد ایسکرا ...**

دسترس ترین شکل تجمع کارگران است که در هر تجمع و مناسبتی می توانند بر بستر آن از خواستهها و مطالباتشان، چگونگی تلاش و مبارزه برای دست یابی به آنها و همچنین تعیین نمایندگان کارگران، از آن بهره ببرند. اتحاد تشکلهای کارگری، اتحاد رهبران و فعالین

۶- از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای باید قاطعانه جلوگیری شود. سلاحهای کشتار جمعی نظیر سلاح های اتمی، شیمیایی و بیولوژیک باید در سطح جهان نابود شوند. پخش پارازیت بر روی سیستمهای ماهواره ای توسط جمهوری اسلامی که جدا از تعدی به آزادیهای فردی، سلامتی افراد را نیز بخطر می اندازد و هرنوع پروژه و طرح دیگری که به محیط زیست و سلامتی مردم آسیب میرساند باید فوراً متوقف شود.

۷- کل پروژه هسته ای جمهوری اسلامی و پروژه های وابسته به آن همچون تغییر مسیر رودخانه ها به منظور استفاده در نیروگاههای هسته ای و امثال اینها باید فوراً متوقف شود. استفاده نظامی و با توجه به خطرات فوری و درازمدت استفاده از این نوع انرژی بطور کلی و مشخصاً با توجه به فساد و دزدی و ارتشا و بی توجهی مطلق به حفاظت و سلامت جامعه که از خصوصیات جمهوری اسلامی است میتواند نتایج هولناك و مرگباری برای مردم و محیط زیست داشته باشد.

۸- رایگان کردن استفاده از شبکه اتوبوسرانی و متروی درون شهری و گسترش و بهبود وسایل نقلیه عمومی به منظور کاهش تردد خودروهای شخصی و به حداقل رساندن آلودگیهای ناشی از مصرف سوخت خودروها.

۹- توقف همه طرح ها و بویژه پروژه های نظامی که منابع آب را در کشور تهدید می کنند، اجرای هر چه سریعتر طرح های عملی برای جلوگیری از خشک شدن دریاچه ها، رودخانه ها، تالابها و منابع آبیهای زیرزمینی.

۱۰- جنگل ها و مراتع نقشی تعیین کننده در تامین هوای پاک و تثبیت خاک و پیشگیری از گرد و غبار دارند. استفاده بی رویه از جنگلها و مراتع باید قانوناً ممنوع شود. طرح هایی به منظور تثبیت شن های روان و همچنین طرحهای مشخص و ضربتی ای برای سالم سازی هوا نظیر گسترش جنگلها و مناطق سبز باید توسط دولت به اجرا گذاشته شود.

دفتر سیاسی حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۰ آوریل ۲۰۱۴ - ۲۱
فروردین ۱۳۹۳

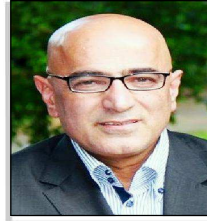
**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

از صفحه ۱

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینان



کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان که معادل ۳۵ درصد از حقوق آنان است، از پایان خرداد ماه سال ۹۲ پرداخت نشده است. کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان از سال ۸۷ تا به امروز نزدیک به ۱۷۶ میلیون تومان حقوق و مزایای معوقه دارند.

با اعتراضات کارگران "اشکان سازان غرب سنندج" نسبت به مزایا و دستمزدهای معوقه خود توسط کارفرمای این کارخانه از کار اخراج شدند

۲۴ فروردین: ۸ نفر از کارگران اشکان سازان غرب سنندج، به نام های "سیروان حسینی، اسد ماه جبینی، شاهرز تکاب، آرش عزیززی، عبدالله ماه جبینی، روناک پیرگال، مهرداد و خبات" به دلیل اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود دست به اعتراض زدند، که با بی‌اعتنایی و تهدید کارفرما روبرو گشتند. در جریان تاکید کارگران بر خواستههای خود در نهایت از جانب کارفرما ۸ نفر از آنان اخراج شدند.

اطلاعیه شماره ۲۰ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

اعتصاب غذای بهنام ابراهیم زاده در حمایت از فعال کارگری زندانی شاهرخ زمانی!

همانگونه که مستحضر هستید شاهرخ زمانی یکی از فعالین جسور و راستین جنبش کارگری ایران بیشتر از یک ماه است که در اعتصاب غذا به سر میبرد، شاهرخ به خاطر تبعیدهای پیاپی و دستگیری بدون دلیل و محکومیت به ۱۱ سال زندان تعزیری و در اعتراض به تمام این بی‌حقوقی‌ها دست به اعتصاب غذا زده و تنها ابزاری که یک زندانی در اختیار دارد یعنی بدن خود را برای اعتراض انتخاب کرده تا صدای

تمامی این ظلم و ستم و شکنجه‌ای که در این چند سال زندان متحمل شده به گوش جهانیان برساند! اینجانب بهنام ابراهیم زاده هم از آنجایی که خود در درون زندان مشغول گذراندن دوران محکومیت زندان هستم و سرنوشتی مشابه شاهرخ دارم برای حمایت و پشتیبانی از هم طبقه‌ای مبارز خودم شاهرخ زمانی از امروز عصر اعتصاب غذای خود را آغاز می‌کنم و تا رسیدن شاهرخ به خواست و مطالبه‌اش و تا زمانی که شاهرخ در اعتصاب غذا است من هم در اعتصاب غذا خواهم ماند، زیرا باور دارم حمایت از شاهرخ زمانی حمایت از جنبش کارگری و یکی از فعالین جسور این جنبش است. بهنام ابراهیم زاده، زندان اوین - بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۹۳

احضار و تهدید فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در سنندج

طبق گزارش رسیده، طی روزهای اخیر، تعدادی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، همچون خالد حسینی، غالب حسینی، عباس اندریاری، سوسن رازانی، کوروش بخشنده و مجید حمیدی توسط اداره اطلاعات شهر سنندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفته، و صراحتاً مورد تهدید بازجویان نیز قرار گرفته‌اند. شواهد از این قرار است که با نزدیک تر شدن به اول ماه مه و بغرنج تر شدن اوضاع اقتصادی و اجرای فاز دوم حذف یارانه ها، و احتمال شدن امکان بروز خیزش های عمومی، میزان فشار و تعرض دستگاه های امنیتی به فعالین کارگری و تشکل های کارگری نیز افزایش یافته است. شایان ذکر است در اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی ای که حاکمیت سرمایه در ایران با آن مواجه است، تشکل های کارگری و کارگران پیشرو که عملاً در تقاطع آینده قرار گرفته‌اند و

مسیر و ماهیت مبارزات آنی و آتی طبقه ی کارگر را مشخص می نمایند، مورد بیشترین تهاجمات قهرآمیز عوامل سرمایه قرار گرفته و می گیرند؛ تا شاید بدین وسیله رسالت تاریخی و طبقاتی آنان را که الهام بخش حرکت های اعتراضی کارگران می باشد را با چالش مواجه نموده، و فرایند مبارزات توده ای را دچار گسست نمایند. کمیته هماهنگی ضمن پای فشاری مجدد بر تمامی مواضع برحق جنبش کارگری، و دفاع از فعالین آن عرصه، هر گونه تعرضی به صفوف کارگران پیشرو و تشکل های کارگری را محکوم نموده، و خواهان پایان بخشیدن به تهدید بازداشت و احضار کارگران و فعالین کارگری و تمامی عرصه های سیاسی و اجتماعی می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۲۳/۱/۹۳

اطلاعیه شماره ۱۴ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهیاد - در حمایت از شاهرخ زمانی

آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، خواست ما کارگران است

کارگران، مردم آزاده و تشکل های کارگری: شاهرخ زمانی یک کارگر است. او مدت هاست که در زندانهای مختلف در ایران بسر می برد. شاهرخ زمانی کارگر آگاه و معترضی است که در مقابل سیستم سرمایه داری به مبارزه برخاسته و خواستار دنیای عاری از ستم و استثمار است. اما نظام سرمایه داری برای ادامه حاکمیت خود، این کارگر پیشرو و رزمنده را اسیر و زندانی کرده است. شاهرخ زمانی در مدت زمانی که در زندان به سر می برد، بارها از طرف مسئولان قضایی به زندان های متعدد تبعید شده و این در حالی است که در محکومیت ایشان تبعید در زندان وجود ندارد. با این وصف، مسئولان قضایی مکرراً " او را تبعید کرده و نهایتاً شاهرخ زمانی در اعتراض به این بی عدالتی، اقدام به اعتصاب غذا نموده است. ما اعضای کمیته دفاع از فعالین کارگری مهیاد، ضمن محکوم کردن قوه قضائیه در مورد سرنوشت یک انسان و سکوت

این قوه در مقابل خواست برحق شاهرخ زمانی و نیز اعتراضات گسترده بین المللی، بر این باور هستیم که هر گونه اتفاق نا گوار بر عهده قاضی پرونده است و آن قاضی باید در یک دادگاه علنی به جرم قتل عمد دادگاهی و محاکمه شود.

خواست یک زندانی که در مقابل آن آماده است تا جان خود را از دست بدهد، بر گرداندن او به زندان اول است. این خواست خیلی مهم نیست تا قوه ای که خود را مستقل و داعیه دادخواهی مظلومان را دارد در مقابل جان یک انسان بی تفاوت باشد و در مقابل خواست یک کارگر زندانی مقاومت کند. قاضی پرونده شاهرخ زمانی، نیک می داند که در اثر استثمار کارگرانی همچون شاهرخ به ثروت و سرمایه بادآورده دست یافته و خودکار و کاغذی که با آن حکم زندان و تبعید شاهرخ را امضا کرده است، از استثمار و حاصل رنج شاهرخ ها بدست آورده است. قاضی دادگاه با تکیه بر صندلی راحتی که از عرق و رنج کارگر بدست آورده است علیه خود کارگران بی محابا حکم صادر می کند. قوه قضائیه چرا باید در مقابل خواست شاهرخ زمانی اینچنین سکوت کند؟ راستی این چه رازی است که قاضی دادگاه و حامیان سرمایه از اعتراض یک کارگر آنچنان وحشت دارند که صدور حکم ۱۱ سال زندان کفایت نمی کند و او را مرتباً از این زندان به آن زندان تبعید می کنند؟! سرمایه داران و محافظانشان به خوبی درک کرده اند که قدرت نیروی متشکل توده کارگر، در این کشمکش طبقاتی، طبقه سرمایه دار و سیستمش را در هم می پیچد. تلاش برای ایجاد تشکل کارگری و فعالیت های شاهرخ زمانی دقیقین به این دلیل است که سرمایه داران را وادار کرده است که او را اسیر و حکم ۱۱ سال زندان برایش صادر کنند. سرمایه داران متشکل و سازمان یافته علیه کارگران می جنگند و توده کارگر نیز نیاز به تشکل و مبارزات منسجم و سازمان یافته دارد. کارگران باید بدون توهم در مقابل این همه بی عدالتی ایستاده و این دنیای نابرابر را تغییر دهند تا انسانها شاهد ذوب شدن جان انسانها نباشند.

ما خواستار آزادی بدون

قید و شرایط شاهرخ زمانی و کلیه کارگران زندانی هستیم.

اطلاعیه شماره ۱۳ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهیاد - در محکومیت احکام صادره توسط شعبه اول دادگاه انقلاب مهیاد

کارگران، مردم آزاده و تشکل های کارگری؛ جنبش کارگری ایران در چند سال گذشته برای احقاق حقوق کارگران با فرازو نشیب های فراوانی روبرو بوده و سرمایه داران همراه با حامیانشان برای سرکوب این جنبش با هر وسیله ای که برایشان مهیا بوده، از جمله تهدید، احضار، اخراج از کار، محاکمه و زندان در صدد آن بودند که جنبش کارگری را مرعوب کنند. اما فعالان رادیکال این جنبش نه تنها مرعوب نشدند بلکه مرتباً " در حال تعرض بوده و هستند. روزی را در سال گذشته نمی یابید که کارگران را به جرم دفاع از مطالباتشان به پای میز محاکمه نکشاند باشند. در آخرین محاکمه با خبر شدیم که رفقای ما و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بنام های هادی تنوند و جمال مینا شیری هر کدام به ۴۲ ماه حبس تعزیری تقاسم مصطفی پور، ابراهیم مصطفی پور و محمد کریمی هر کدام به ۲۴ ماه حبس تعزیری در شعبه اول دادگاه انقلاب مهیاد به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی و شرکت در مجمع عمومی آن کمیته در شهر کرج محکوم شدند. کمیته دفاع از فعالین کارگری مهیاد ضمن محکوم کردن این احکام ناعادلانه از تمام کارگران و تشکل های کارگری می خواهیم که در مقابل این احکام ناعادلانه سکوت نکنند و به هر طریق ممکن صدای اعتراض خود را به اذهان عمومی برسانند. ما خواستار آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی هستیم و خودمان را در کنار این عزیزان خواهیم دید.

خودکشی

حمید خراسانی ۲۳ ساله ساکن روستای "خالد آباد" از توابع ارومیه که به دلیل "اختلافات و مشکلات درون خانوادگی" بازداشت شده بود، پس از آزاد شدن از زندان، اقدام به

از صفحه ۵

نگاه هفته...

خودکشی کرد. حمید خراسانی، به دلیل فقر و تنگدستی توان پرداخت مهریه همسرش را نداشته و در نتیجه روز پنجشنبه گذشته از راه حلق‌آویز نمودن به طناب‌دار به زندگی خود پایان داد.

کامیاران: میثم عزیزی ساکن روستای "کانی هنگه" از توابع کامیاران، خواهر خود به نام لیلا عزیزی را به قتل رساند. این خواهر و برادر به منظور تفریح و گردش به کوه‌های اطراف روستا رفته بودند و لیلا به برادرش گفته بود که قصد ازدواج دارد و میثم پس از شنیدن این حرف با اسلحه شکاری، وی را کشته است. میثم پس از کشتن خواهرش با همان اسلحه شکاری به

زندگی خود نیز پایان میدهد. لیلا عزیزی در یکی از مهد کودک‌های منطقه بیلوار کامیاران مشغول کار بوده است.

دستگیری و زندان

مربوان: ۲۰ فروردین: آرام نیکی‌پی فرزند عزیز و سوران کاوه از اهالی روستای "تی" توسط سازمان اطلاعات احضار و در مورد برگزاری مراسم نوروز امسال در روستای نی مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. سقز: ۲۰ فروردین: سردار پرستار، فعال دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی تهران - واحد علوم و تحقیقات، بازداشت و به مکانی نامعلوم انتقال یافت. نیروهای امنیتی به منزل پدری سردار پرستار

رفته و کامپیوتر و وسایل شخصی وی را ضبط نمودند.

تیراندازی و اذیت و آزار مردم

سردشت: شلیک نیروهای انتظامی مستقر در پاسگاه بیتوش به شهروندان، یک سرباز با شلیک خود این نیروها زخمی و ۳ راس اسب شهروندان نیز تلف شدند. با زخمی شدن این سرباز، فرمانده پاسگاه بیتوش به نام "دوستی" از مردم درخواست همکاری کرده بود، اما به دلیل بی‌حرمتی این نیروها به ساکنین روستا، مردم از همکاری با این نیروها خودداری و در نتیجه فرمانده این پاسگاه تهدید به گلوله‌باران روستا کرد. یک روز بعد از ماجرای طخمی شدن سرباز فرمانده پاسگاه بیتوش با ۶۰ نفر از نیروهای

روستای "اسن‌آوا" از توابع بخش خاوه شهر مربوان به نام عمر دهقان ۴۷ ساله با مین کاشته شده برخورد و بر اثر انفجار آن از ناحیه پا قطع عضو شد.

۱۶ فروردین: جمال کریمی ۵۰ ساله فرزند رشید و ساکن روستای "گلچیدر" مربوان در نزدیک پادگان ارتش مشغول چراندن دام بوده که با مین کاشته شده برخورد و بر اثر انفجار این مین یک پای خود را از دست داد.

۱۶ فروردین: امید علی جانی اهل شهر ساوه در استان اراک که در شهر مربوان سرباز بوده به دلیل انفجار مین در منطقه بستم مربوان به شدت زخمی گردید.

انتظامی به بهانه جمع‌آوری ماهواره به روستای مزناآباد رفته و اقدام به شلیک گاز اشک‌آور به حیاط و منازل شهروندان کرده بود. منزل مسکونی دلشاد اسماعیلی بر اثر تیراندازی به تانکر نفت به آتش کشیده شد.

تلفات ناشی از انفجار مین

مربوان: ۲۰ فروردین: فایق احمدزاده فرزند محمود ساکن روستای "سردوش" از توابع شهر مربوان به دلیل انفجار مین در نزدیکی مناطق هم‌مرز با اقلیم کردستان عراق یک پای خود را از دست داد. فایق احمدزاده به منظور جمع‌آوری گیاه‌های خوراکی به کوه‌های اطراف روستایشان رفته بود.

۱۹ فروردین: یکی از ساکنین

بهنام ابراهیم زاده در حمایت از شاهرخ زمانی دست به اعتصاب غذا زد

خواستهای اعتراضی او مینویسد:

"همانگونه که مستحضر هستید شاهرخ زمانی یکی از فعالین جسور و راستین جنبش کارگری ایران بیشتر از یک ماه است که در اعتصاب غذا به سر میبرد. شاهرخ به خاطر تبعیدهای پیاپی و دستگیری بدون دلیل و محکومیت به ۱۱ سال زندان تعزیری و در اعتراض به تمام این بی‌حقوقی‌ها دست به اعتصاب غذا زده و تنها ابزاری که یک زندانی در اختیار دارد یعنی بدن خود را برای اعتراض انتخاب کرده تا صدای تمامی این ظلم و ستم و شکنجه‌ای که در این چند سال زندان متحمل شده به گوش جهانیان برساند!

اینجانب بهنام ابراهیم زاده هم از آنجایی که خود در درون زندان مشغول گذراندن دوران محکومیت زندان هستم و سرنوشتی مشابه شاهرخ دارم برای حمایت و پشتیبانی از هم‌طبقه‌ای مبارز خودم شاهرخ زمانی از امروز عصر (۲۳ فروردین) اعتصاب غذایی خود را آغاز می‌کنم و تا رسیدن شاهرخ به خواست و مطالبه‌اش و تا زمانی که شاهرخ در

حمایت از شاهرخ زمانی پیبوندند. میدانیم که کارگران زندانی و زندانیان سیاسی زیر فشار سنگینی در زندان بسر می‌برند، با حمایت گسترده از شاهرخ و کارگران زندانی و زندانیان سیاسی کاری کنیم که نه تنها فشار از روی آنان و همه زندانیان سیاسی برداشته شود، بلکه فوراً از زندان آزاد شوند.

ما بعنوان "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" از شاهرخ زمانی و از بهنام ابراهیم زاده می‌خواهیم که به اعتصاب غذا که به جان و سلامت آنها لطمه می‌زند، پایان دهند. ما به سهم خود تلاش می‌کنیم که صدای این کارگران و همه زندانیان سیاسی در سطح جهانی باشیم.

شاهرخ زمانی در وضعیتی اضطراری بسر می‌برد و نیاز به حمایت و پشتیبانی وسیع ما دارد. اعتراض او اعتراضی به فشارهای رژیم اسلامی در زندان است. همبستگی خود را با شاهرخ و با بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اعلام کنیم.

شاهرخ زمانی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۴ فروردین ۹۳، ۱۳ آوریل ۲۰۱۴
Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.soroush@gmail.com
http://tree-them-now.blogspot.com

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

